ترانه بیست هزار آرزو

ای همه خوبی تو را پس تو که رایی که را ای گل در باغ ما پس تو کجایی کجا

سوسن با صد زبان از تو نشانم نداد گفت رو از من مجو غیر دعا و ثنا

سرو اگر سر کشید در قد تو کی رسید نرگس اگر چشم داشت هیچ ندید او تو را

هر طرفی صف زده مردمو دیو و دده لیک در این میکده پای ندارند پا

از کرمت من به ناز مینگرم در بقا کی بفریبد شها دولتِ فانی مرا

بیست هزار آرزو بود مرا پیش از این در هوس خود نماند هیچ امانی مرا

ای که به هنگام درد راحت جانی مرا وی که به تلخی فقر گنج روانی مرا

سجده کنم من به جان روی نهم من به خاک گویم از اینها همه عشق فلانی مرا

هر نفس آواز عشق میرسد از چپ و راست ما به فلک میرویم عزم تماشا که راست

ما به فلک بوده‌ ایم یار ملک بوده‌ ایم باز همان جا رویم جمله که آن شهر ماست

گوهر پاک از کجا عالم خاک از کجا بر چه فرود آمدیت بار کنید این چه جاست

بختِ جوان یار ما دادن جان کار ما قافله سالار ما فخر جهان مصطفاست

از کرمت من به ناز مینگرم در بقا کی بفریبد شها دولتِ فانی مرا

بیست هزار آرزو بود مرا پیش از این در هوس خود نماند هیچ امانی مرا

ای که به هنگام درد راحت جانی مرا وی که به تلخی فقر گنج روانی مرا

سجده کنم من به جان روی نهم من به خاک گویم از اینها همه عشق فلانی مرا